



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ / اسفند / ۱۳۹۷

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۶ رجب ۱۴۴۰

موضوع جزئی: اقسام وجوب - واجب تخیری - قول سوم و بررسی آن

جلسه: ۸۹

سال دهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

در تصویر واجب تخیری اقوالی بیان شد. تاکنون به دو وجه و دو قول اشاره کردیم، هر دو وجه محل اشکال و ایراد است.

### قول سوم

منظور از واجب تخیری این است که این واجب عندا... معلوم و معین است، لکن برای ما معلوم نیست. ما نمی‌دانیم «هذا واجب او ذاک» این واجب است یا آن واجب است، اما نزد خدا وجوب تعیینی دارد.

تقریباً سه وجهی که تاکنون گفتیم همه در این جهت مشترک هستند که واجب تخیری چیزی غیر از واجب تعیینی نیست. در وجه اول گفته شد که وجوب دو طرف واجب تخیری هر دو تعیینی است، لکن یک شرطی در کنارشان اخذ شده است. در قول دوم گفته شد که طرفین واجب تخیری وجوبش تعیینی است ولی اگر یکی از این دو اختیار و اتیان شود، باعث اسقاط تکلیف دیگر می‌شود.

طبق قول سوم واجب تخیری فی الواقع تعیینی است. یعنی یکی از این دو طرف واجب که بینشان مخیریم، نزد خدا وجوب تعیینی دارد، ولی ما مخیر قرار داده شدیم بین این واجب یا آن واجب. به عبارت دیگر در قول سوم بحث در این است که واجب تخیری یعنی «مایختاره المكلف» آنچه که مکلف آن را اختیار می‌کند، «فی علمه عزوجل» البته آن کسی که می‌گوید: عند الله معلوم است ولی برای ما معلوم نیست معنایش این است که آن چه که ما اختیار می‌کنیم نزد خدا معلوم و معین است.

### بررسی قول سوم

این قول و این احتمال نیز مبتلا به اشکال است

### اشکال اول

لازمه این قول این است که واجب متعدد شود. زیرا اطراف واجب تخیری متعدد است و حداقل دو طرف دارد و هر کدام از مکلفین یک طرف را اختیار می‌کنند، یکی نماز جمعه را اختیار می‌کند و یکی نماز ظهر را. اگر بگوییم واجب تخیری یعنی آنچه که مکلف اختیار می‌کند عند الله عزوجل، معلوم است؛ اما چون اختیار مکلف متفاوت است لازم اش این است که واجب‌ها هم مختلف شوند. یعنی کأنه گاهی این فعل واجب باشد و گاهی آن فعل واجب شود. بالاخره واجب یک چیز است یا دو چیز؟ اگر واجب یک چیز است و آن همان چیزی است که خدا می‌داند، بحث این است که آنچه که خدا می‌داند عبارت است از مختار مکلف و چون مکلفین متفاوت می‌باشند مختارشان نیز فرق می‌کنند. پس لازم می‌آید که واجب متعدد شود، واجب چند چیز باشد. در حالیکه تعدد و تغییر واجب مطلبی نیست که بتوان به آن ملتزم شد. یقین داریم که این مطلب درست نیست. می‌دانیم که همه مکلفین به یک چیز مکلف

شده‌اند و این واجب تغییر نمی‌کند، در حالیکه لازمه این قول تغییر و اختلاف و تعدد در واجب است.

سوال:

استاد: مثلاً شما می‌گویید: نماز جمعه واجب تخییری است و من می‌خواهم نماز جمعه بخوانم، دوست شما روز جمعه نماز ظهر می‌خواند. طبق این احتمال واجب چیست؟ ما هو معین عند الله و آنچه که عند الله معین است چیست؟ همان است که مکلف اختیار می‌کند و اینجا اختیار شما با اختیار دوستان فرق می‌کند پس معلوم می‌شود که واجب یکی نیست. خدا علم دارد که شما جمعه را اختیار می‌کنید و علم دارد که او ظهر را اختیار می‌کند. پس ما این جا دو واجب داریم نه یک واجب در حالیکه قطعاً اینگونه نیست.

#### اشکال دوم

اگر فرض کنیم هر دو طرف واجب تخییری به یک اندازه محصل غرض هستند؛ یعنی در تحصیل غرض از واجب، فرقی بین نماز جمعه و نماز ظهر نیست، می‌گوییم: چرا از ابتدا شارع دو تکلیف و دو کار پیش روی مکلف قرار داده است. اگر هر دو به یک اندازه غرض از تکلیف را حاصل می‌کنند، یعنی نماز ظهر به همان مرتبه و درجه‌ای تحصیل غرض می‌کند که نماز جمعه می‌کند، اگر اینچنین است، اصلاً چه داعی داشته که دو تکلیف قرار دهد؟ این فعل از حکیم عاقل سر نمی‌زند که تخییر را در جایی که طرفین تخییر به یک اندازه محصل غرضند پیش روی مکلفین قرار دهد.

#### اشکال سوم

بحث ما در مورد حقیقت واجب و به ویژه واجب تخییری در مطلق موالی است. یعنی هم در مورد جعل از ناحیه مولای عرفی و هم از ناحیه مولای حقیقی. وقتی می‌خواهیم اوامر و نواهی و واجب و تقسیمات واجب را تحلیل کنیم، نباید طوری تحلیل کنیم که فقط مختص به خدا و شارع مقدس باشد. اتفاقاً به عکس، تحلیل ما از حقیقت امر و نهی و اقسامشان، همه به نحوی است که نتیجه‌اش این است که شارع هم مانند عرف در قانون‌گذاری عمل می‌کند، شارع یک سیره غیر عقلایی در قانون‌گذاری پیش نمی‌گیرد که برای عقلاً قابل فهم نباشد. شارع هم مثل همه عقلاء با همان روش متعارف عقلاء مبادرت به قانون‌گذاری و امر و نهی و امثال آن می‌کند. بنابراین وقتی ما می‌خواهیم تصویری از امر و نهی یا وجوب یا اقسام واجب ارائه دهیم باید به نحوی باشد که شامل موالی عرفی و قانون‌گذاری عرفی هم بشود.

با ملاحظه این نکته عرض می‌کنیم که این تحلیل از وجوب تخییری قابل تطبیق بر موالی عرفی و قانون‌گذاران بشری نیست. بالاخره در عرف قوانینی داریم که این تخییر در آن وجود دارد. گاهی قانونی تصویب می‌شود که مردم را مخیر بین دو راه می‌کند که تکلیف الزامی را هر دو طرف دارند. آیا می‌توانیم بگوییم حقیقت واجب تخییری و الزام تخییری آن واجبی است که نزد قانون‌گذار معلوم است که مکلف کدام را اختیار می‌کند؟ آیا این را در مورد قانون‌گذاران عرفی می‌توانیم بگوییم؟ می‌توانیم بگوییم وجوب این مسئله تخییری است و معنای وجوب تخییری این است که قانون‌گذار می‌داند که مکلفین چه راهی را برای اتیان به واجب اختیار می‌کنند؟ این اصلاً در مورد بشر امکان ندارد. فقط خداست که می‌داند که الی یوم القیامه چه کسی کدام طرف واجب تخییری را اختیار می‌کند. بله شما می‌توانید آن جا بگویید: واجب تخییری یعنی واجبی که عند الله معین است که مکلفین کدام را اختیار می‌کنند. البته صرف نظر از اشکالات دیگر.

به هر حال اولین رکن این قول و مهمترین پایه‌اش داشتن علم غیب است، خدا علم غیب دارد و به نوعی می‌توانید تصویر کنید که

واجب تخییری یعنی «مایختاره المكلف فی علمه عزوجل» آنچه مکلف اختیار می کند در علم الهی. یعنی خدا می داند که چه چیزی واجب است، زیرا می داند که چه کسی چه چیزی را انتخاب کرده است. حال آن اشکالات دیگر بماند، اصلاً لفظ «علم بما یختاره المكلف» در مورد غیر خدا امکان ندارد. لذا این تصویر به هیچ وجه قابل قبول نیست.

بنابراین قول سوم نیز باطل است.

### یک تغییر کوچک

چون در ماه رجب هستیم و ایام اعتکاف نزدیک است یک حدیث قدسی نقل می کنم بر طبق این حدیث خداوند متعال می فرماید:

«جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ بِي»

من این ماه را یک ریسمانی بین خودم و بندگان خودم قرار دادم. کسی که اعتصام به این ماه پیدا کند کسی که به این ماه چنگ بزند به وصال من می رسد. در اینکه این ماه یک ماه ویژه است بحثی نیست. یکی از ویژگیهای این ماه این است که این که اعتصام به این ماه موجب وصال است اما مهم این است که اعتصام به این ماه چگونه است؟ چنگ زدن به این ماه متصل شدن به این ریسمان چگونه است؟ این نکته ای است که باید به آن توجه کرد. به هر حال باید از فرصت این ماه برای توجه بیشتر به خداوند متعال و خضوع بیشتر، وابستگی بیشتر به خدا و انقطاع عن الغير استفاده کنیم. عبادات ما، عبادت شبانه ما در این ماه خیلی موثر است. طبق فرمایش پیامبر (ص) رجب ماه بارش رحمت الهی است: «رجب شهر الله الأصبّ یصب الله فیه رحمة علی عباده» رجب ماه بارش رحمت است تعبیر بارش رحمت یعنی همه جا رحمت الهی فوران دارد. مهم این است که ما خودمان را در معرض این بارش قرار دهیم. این یک حرکت کوچک می خواهد. اگر الان باران بیاید و ما زیر سقف باشیم باران به ما نمی خورد. اگر می خواهیم باران به ما بخورد یک حرکت کوچک می خواهد؛ یعنی برویم در حیاط تا از این باران استفاده کنیم. ماه رجب اگر به عنوان ماه بارش الهی معرفی شده است یک تغییر می تواند ما را در معرض این بارش قرار دهد و ما را از آن بهره مند کند. این حداقل گام برای وصال حق تعالی است.

اعتصام به این ماه یک پیش نیاز مهم دارد. اگر این پیش نیاز مهم تحقق پیدا کند پایین ترین مراحل وصال هم محقق می شود. پیش نیاز وصال، تغییر است یعنی باید یک تغییری در خودمان بدهیم. این تغییر مقدمه می شود که بارش رحمت الهی شامل ما شود و به مرتبه ضعیفی از وصال را برسیم و بعد این خودش آغاز یک حرکت عمیق و موثر و سازنده می شود. ما گاهی بدون این تغییر و انتقال به اعمال ظاهری می پردازیم ولی آن چیزی که باید ما را به واقع در معرض بارش الهی قرار دهد به آن توجه نداریم.

### بیانیه مقام معظم رهبری نقشه راه انقلاب است

در مورد بیانیه رهبر معظم انقلاب که به عنوان گام دوم انقلاب معرفی کردند و بحث ها و مطالب زیادی مطرح شده است. نمی دانم این بیانیه را مطالعه کردید یا خیر، ولی توصیه می کنم آن را مطالعه کنید. انصافاً بیانیه به عنوان این که ما کجا بودیم و کجا هستیم و کجا خواهیم رفت، حدیث معرفت انقلاب است. ما در مورد انسان داریم که «رحم الله من عرف من این و فی این و الی این» خدا رحمت کند کسی را که بفهمد کجا بوده و کجا هست و کجا خواهد رفت. این مسیر خود شناسی که کجا بودیم و کجا هستیم و کجا خواهیم رفت یک مسیری است که برای موجوداتی که حیات اعتباری دارند هم باید مورد نظر باشد. بالاخره این انقلاب به عنوان یک موجود زنده موثر پابرجا یک تولدی داشته، یک مدتی از عمر این انقلاب گذشته و یک مسیری را در آینده

باید طی کند. طبیعتاً در گذشته موفقیت‌های بسیاری نصیب شده اشکالاتی هم در گذشته بوده، الآن هم به هر حال با وجود همه اشکالات، موفقیت‌های بزرگ و غیر قابل انکاری نصیب انقلاب و کشور و مردم شده است، ضمن همه کاستی‌ها، انقلاب یک مسیری باید در آینده برود که آن قوت‌ها بیشتر و ضعف‌ها کمتر شود. این بیانیه نقشه راه انقلاب در آینده است.

متأسفانه یکی از مشکلاتی که ما در این کشور داریم هياهو کردن بدون برنامه و اقدام عملی است. ما عادت داریم سر چیزهایی هياهو می‌کنیم اما برنامه ریزی و عمل نداریم. شما در این سال‌های گذشته نگاه کنید خیلی اوقات، مطالب و سخنان ارزشمندی بزرگان گفتند، رهبری فرمودند، و در همان آغاز یک سر و صدا و بیانیه و راهپیمایی شده اما عملاً کاری صورت نگرفته است. فو‌قش یک همایشی ترتیب دادند اما این که این‌ها عملیاتی شوند کمتر ما دیدیم. متأسفانه در خیلی از مسایل همین‌طور است. به جای این که این را کاملاً با جزئیات برنامه ریزی کنیم و ببریم در ساختار جاری نماییم و حتی اگر نیاز به اصلاح ساختار است، اصلاح کنیم که این‌ها عمل شود، ولی کمتر اتفاق می‌افتد.

مشکل دیگر این است که هر کسی مناسب با ذوق خودش، نه نیازهای اصلی، مطالب را تفسیر می‌کند؛ یعنی ما عادت داریم در خیلی امور از شخصیت‌ها و سخنان آن‌ها کاریکاتور می‌سازیم. یعنی یک گوشه را برجسته می‌کنیم و بقیه اعضاء رئیسی مغفول متروک می‌ماند. همه این ابتلاء را دارند.

ما واقعا درباره همه امور، در مورد معرفی اهل بیت، در ارائه الگو، در مسائل انقلاب در مسائل مختلف این دو اصل را باید رعایت کنیم.

یکی اینکه اقدامات ما فقط منحصر در تبلیغات سطحی و چشم‌پُرکن نباشد. تبلیغات لازم است اما مهم‌تر از تبلیغات، عمل است. دیگر آنکه از کاریکاتوری کردن موضوعات بپرهیزیم. آنچه هست را به نحو کامل ارائه دهیم، نه اینکه با ذوق خودمان یک بخش را گزینش کنیم و یک بخش را حذف کنیم.

با ملاحظه این دو نکته عرض این است که این بیانیه واقعا بیانیه دقیق و ارزشمند است و هوشمندان و امیدوارانه نوشته شده است. مطالب زیاد است و من نمی‌خواهم به یک بخش بپردازم. اما ایشان در این بیانیه به مطالب مختلفی توجه دادند. سر فصل‌هایی که خود ایشان به آن اشاره کردند علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی است. این‌ها سرفصل‌های بیانیه مهم معروف به گام دوم است و واقعا یک جامعیتی در این بیانیه هست که می‌طلبد به طور جدی به آن توجه شود و زمینه‌های عملیاتی کردن آن فراهم شود.

ایشان توصیه‌هایی در مورد این سرفصل‌ها دارند. این که عرض کردم خدا رحمت کند کسی که بشناسد خودش را که از کجا آمده در کجا هست و به کجا می‌رود، در این بیانیه در مورد انقلاب این سیر تبیین شده است؛ یعنی این که ما در گذشته تاریخی خود در این کشور کجا بودیم و چه مشکلات جدی داشتیم چه انحطاط‌هایی داشتیم و انقلاب چه کرد و الان کجاییم و در عین حال چه کاستی‌ها و نقص‌هایی وجود دارد و این که کجا باید برویم در عرصه اقتصاد، در عرصه علم و در عرصه معنویت و اخلاق و استقلال و آزادی؛ مثلاً در مورد آزادی ایشان فرمودند که آزادی تفضل حکومت‌ها به مردم نیست این یک نیاز فطری انسان است و حکومت‌ها باید ابزار آن را فراهم کنند یا مثلاً در مورد معنویت و اخلاق، می‌فرماید: معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص و توکل و ایمان در خود و جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت،

کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه ماست. ایشان معنویت و اخلاق را به عنوان جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های اجتماعی معرفی کرده اند.

سپس در ادامه می فرماید: بودن آن ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی بهشت می سازد و نبودن آن ها حتی با برخورداری مادی جهنم می آفریند.

اگر فرصتی شود باید کامل در این باره صحبت کنیم.

این یک جهت گیری کلی جامعه و انقلاب است در آینده در اقتصاد همینطور است در مورد سبک زندگی همینطور است، در مورد فساد همینطور است این که تعبیر کردند فساد را به عنوان یک توده چرکینی که در کشورها و نظام ها اگر در بدنه حکومت ها عارض شود زلزله ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آن ها است، این یک اصل و مطلب بسیار مهم است.

در مورد ظرفیت نظام سازی انقلاب، می فرماید: این انقلاب نظام سازی می تواند بکند. می تواند تمدن سازی کند. تحولات فردی و اجتماعی بسیاری بوجود آورده است و از این به بعد بیشتر باید به وجود آورد.

مطالب این بیانیه بسیار ارزشمند است و به نظر من این بیانیه باید هم یک مبنایی برای بررسی کاستی ها و اشکالات در فضای موجود و هم نقشه راه برای آینده مورد توجه قرار بگیرد و به ضمیمه اهداف اولیه انقلاب و آرمان های امام راحل عظیم الشان شاخصی شود که با این شاخص همیشه ارزیابی کنیم که چه اشکالاتی داریم کجا هستیم و کجا باید برویم این به هر حال خیلی مهم است. انشاء الله هر کسی به سهم خودش در مورد تحقق این نقشه راه کوشش و تلاش داشته باشد.

«الحمد لله رب العالمین»